



یادداشت

چرا کارگران متخصص و فنی اشتیاقی برای کار ندارند

صادق



حکایت عجیبی است، کمتر کسی شاید باور کند، اما واقعیت دارد، صاحبان واحدهای صنعتی و تولیدی ادعا می کنند کارگر کم دارند، اما کارگر گیر نمی آورند. ظاهراً عجیب است که میلیونها کارگر بیکار که بیش از ۲ میلیون آنها در محل های کاریابی ها برای پیدا کردن کار ثبت نام کرده اند وجود دارد اما به گفته کارفرمایان کارگر برای کارکردن در کارخانه هایشان پیدا نمی کنند و می گویند "مجبورند" از کارگر خارجی برای رفع نیاز هایشان استفاده کنند.

البته بین نیروی کار خارجی با داخلی تفاوتی به غیر از اینکه به خارجی دستمزد و مزایای کمتری می دهند و بیشتر استشارشان می کنند و بابت آن منتهی هم احتمالاً بخاطر اینکه استخدام شان کرده اند بر سرشان می گذارند، کمتر جای تردید وجود دارد. احتمالاً اگر آنطور که می گویند با کمبود نیروی کار مواجه اند درست باشد، منظورشان نیروی کار فنی و تحصیل کرده باید باشد.

بخاطر دارم که چند سال پیش جوانان تحصیل کرده دانشگاهی بخاطر اینکه استخدام شان کنند، اکثراً مدارک تحصیلی خود را رو نمی کردند و به نشان دادن مدرک دیپلم بسنده می کردند. صاحبان کارگاه ها و کارخانه ها به آنان حقوق کارگران ساده را می دادند. تا اینکه بتدریج کارفرماها بفکر افتادند که به کارگر فنی همان مقدار دستمزد بدهند که به کارگران ساده می دادند. چون کار کم بود آنها نیز اجباراً برای اینکه بتوانند کار خود را حفظ کنند می پذیرفتند. اما بتدریج این بخش از نیروی کار شروع به اعتراض کرد و خواهان پرداخت دستمزد و مزایا بر اساس تخصص شد.

اعتراضات گسترده ای که در شرکت های مختلف برای اجرا کردن طبقه بندی مشاغل شکل گرفت و همچنان ادامه دارد اعتراض به همین قضیه است.

برای کارفرمایانی که سالها به چنین وضعی عادت کرده بودند و بابت ندادن بخشی از حق و حقوق کارگر سود های اضافی هنگفتی به جیب زده بودند، البته بسیار سخت است با خواسته اجرای طبقه بندی مشاغل و پرداخت دستمزد براساس تخصص، سابقه کار و غیره موافقت نمایند.



آنها با استفاده از قراردادهای موقت می توانستند تعدادی را از کار اخراج کنند، اما واقعیت این بود که به بیشتر کارگران فنی نیاز داشتند و امورات صاحبان شرکتها با اخراج همه ی آنهايي که اعتصاب می کردند نمی گذشت. بهمین خاطر بود که سعی کردند با بعضی تغییرات در قراردادهای کاری، بنام رسمی، قراردادی، حجمی، روزمزد و غیره و پرداخت دستمزدها و شرایط کاری و مزایای متفاوت بین کارگران، تفرقه بیندازند و تا جایی که ممکن است به استثمار مضاعف بخش بزرگی از نیروی کار خود ادامه دهند. نتیجه این اعمال شروع اعتصاب و اعتراض با خواست لغو شرکتهای پیمانکاری و قرارداد موقت و پرداخت مزد و مزایای برابر با کارگران رسمی بود. کشاکش بر سر این مطالبات چند سال است که ادامه دارد و اینک کار آن به مجلس و مجمع تشخیص مصلحت کشیده شده و در آنجا فعلا در تور مجمع فقه ها گیر افتاده است. در اثنای این کنش و واکنشها عده زیادی از نیروی کار فنی یا مهاجرت کرده است، یا دنبال مشاغل دیگر رفته اند، عده دیگری نیز ترجیح می دهند دنبال کارهای بهتر و پر درآمد تر باشند. کارگر فنی و متخصص در میان بیکاران کم نیست، اما حاضر نیستند با مزدهای ناچیز و شرایط بد حاکم بر محل های کار، کار کنند. اکثریت بزرگ سرمایه داران ایران، نو کیسه های تازه به دوران رسیده های هستند که ثروتها و موسسات خود را بدون اینکه زحمتی بکشند از طریق داشتن رانت و وابستگی به حکومت بدست آورده اند. افشای ماجرا های سپردن رایگان واحدهای صنعتی بزرگ همچون هفت تپه، ماشین سازی های اراک و تبریزو ... در واقع حالت مشت نمونه خروار را دارد. اینها با خیامی ها و بقیه صاحبان صنایع قبل از انقلاب قابل قیاس نیستند. آنها هر که بودند حداقل با کارگران خود تا حدودی راه می آمدند، اما اینها چون همه چیز را مفت و ارزان بدست آورده اند، زورشان می آید حقوق کارگر را حداقل طبق قانون کار خودشان بدهند. معلوم است که کارگران متخصص و تحصیل کرده و فهیم نمی توانند با دستمزدهای زیر خط برای این جماعت به جای کار، بردگی کنند. کارگر به تعداد کافی هست، اما حاضر نیستند برای دستمزدهایی که حتی کفاف کرایه مسکن شان را هم نمی دهد، کار کنند. نه زیر بار بردگی رانتخوران نو کیسه می روند و نه برای همیشه این جماعت را تحمل خواهند کرد.

از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن

پیوندید!

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران

و مزد و حقوق بگیران!



نابرابری جنسیتی در محیط کار بخش ششم

تحلیلی در باره پیامدهای کلیشه‌ها، شکاف جنسیتی در دستمزد، و غیبت زنان در موقعیتهای رهبری کننده برای کل جامعه

کاتلین بارگر



(Katelyn Barger) نوشته کاتلین بارگر

یک پژوهش 3

برای تأیید بیشتر (Sarah Jensen)، نویسنده این مقاله، و سارا جنسن (Katelyn Barger) کیتلین بارگر شواهدی که در طول زمان گردآوری شده اند، دست به پژوهشی زدند، که برخی از جزئیات آن در زیر آمده اند. هدف اصلی این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات از گروه‌های سنی و جنسیت‌های مختلف در موضوعاتی مانند انتخاب‌های آموزشی، کلیشه‌های مربوط به رهبری و تبعیض جنسیتی (از جمله شکاف دستمزد) بود. اطلاعات جمع‌آوری شده از افراد ناشناس بود که به‌طور داوطلبانه طی چهار روز در این پژوهش شرکت کردند. بیش از 85 درصد شرکت کنندگان در پژوهش در بازه سنی 18 تا 24 سال بودند، تا نمایی دقیق‌تر از بزرگسالانی که در لحظه پژوهش وارد بازار کار می‌شوند، حاصل شود. از میان تمامی پاسخ‌دهندگان، 36 درصد گزینه "مرد" را به‌عنوان جنسیت خود انتخاب کرده بودند. بیش از 87 درصد از شرکت‌کنندگان یا در حال تحصیل در مقطع کارشناسی یا بالاتر بودند یا دارای مدرک کارشناسی بودند. اهمیت این آمار در بررسی دلایل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان روشن خواهد شد.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، مهم‌ترین دلیل زنان برای رفتن به دانشگاه، نیاز به تحصیلات عالی‌تر برای به‌دست‌آوردن همان جایگاهی است که مردان با مدرک پایین‌تر کسب می‌کنند. بر اساس پژوهش انجام‌شده، مکررترین دلیل شرکت کنندگان برای تحصیل برای دریافت مدرک کارشناسی، "بهبود فرصت‌های شغلی" بود (48 درصد). از میان کسانی که این دلیل را بیان کردند، حدود 64 درصد زن بودند. دومین دلیل رایج برای مردان "افزایش پتانسیل درآمد" بود، در حالی که برای زنان "انتظار خانواده" به‌عنوان دومین دلیل مطرح شد. این نکته جالبی است، زیرا نشان می‌دهد که تصمیم اصلی برای رفتن به دانشگاه در مردان به‌منظور کسب درآمد بیشتر است، در حالی که برای زنان نشان‌دهنده ارزشی است که خانواده‌ها برای این فرصت آموزشی قائل‌اند.



این پاسخ‌ها هنگام تصمیم‌گیری برای تحصیلات تکمیلی تغییر می‌کنند. در میان کسانی که برنامه دارند یا در حال حاضر در مقطع تحصیلات تکمیلی هستند یا آن را گذرانده‌اند، رایج‌ترین دلیل "افزایش پتانسیل درآمد" بود، یعنی همان دلیل اصلی مردان برای تحصیلات کارشناسی. وقتی پاسخ‌های بعدی پرتکرار برای هر جنسیت بررسی شدند، زنان پس از "افزایش پتانسیل درآمد"، "یادگیری بیشتر در یک حوزه جالب" را انتخاب کرده بودند، در حالی که دلیل دوم مردان "بهبود فرصت‌های شغلی" بود. تمایز جالب این است که زنان به دانشگاه به‌عنوان تجربه‌ای برای یادگیری نگاه می‌کنند، در حالی که مردان آن را سکوی پرتابی برای ورود به یک حرفه می‌دانند. می‌توان استدلال کرد که مردان به دلیل احساس درونی نقش رهبری، این نوع پاسخ را انتخاب می‌کنند.

پاسخ مورد انتظار دیگر از پرسش ساده «بله یا خیر» حاصل شد. از مجموع پاسخ‌دهندگان، 15 درصد به پرسش "آیا مردان برای رهبری شایسته‌تر اند؟" پاسخ بله دادند. نکته مهم، چنان که پیشتر گفته شد، این است که 36 درصد از شرکت‌کنندگان مرد بودند. با این حساب، تقریباً یک‌سوم مردان باور دارند که مردان، صرف‌نظر از سطح شغلی یا تحصیلات، برای رهبری شایسته‌ترند. این در حالی بود که تنها 7 درصد زنان باور داشتند که مردان برای رهبری از زنان برتر اند. نکته جالب این است که تنها 4 دهم درصد از این 7 درصد بالای 47 سال سن داشت بود و 2/5 درصد دیگر در بازه سنی 18 تا 24 سال قرار داشتند. این آماری شگفت‌آور است. این پرسش اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد که حتی نسل جدید نیز همچنان باور از پیش در تصمیم‌گیری‌های مربوط به رهبری دارد.

در زمینه تعصب جنسیتی در محیط کار، همان‌طور که شواهد تاریخی و این پژوهش تأیید می‌کنند، اکثریت نسبی پاسخ‌دهندگان تا حدودی موافق وجود این تعصبات اند. به‌طور دقیق، 43 درصد از پاسخ‌دهندگان این نظر را داشتند. در مجموع 53 درصد از پاسخ‌دهندگان تا حدودی یا به‌شدت موافق بودند که این تعصبات وجود دارد، 13 درصد تا حدودی یا به‌شدت مخالف بودند و 34 درصد نظر خاصی نداشتند (یا بی‌طرف بودند). شکاف دستمزد یکی از نکات برجسته در بحث تفاوت‌های جنسیتی در محیط کار است. وقتی از شرکت‌کنندگان پرسیده شد "آیا باور دارید که مردان و زنان با شرایط شغلی/مهارتی یکسان حقوق متفاوتی دریافت می‌کنند؟"، تقریباً 73 درصد پاسخ مثبت دادند. این که حدود 23 درصد باور دارند در شرایط مساوی تفاوت حقوقی بین زن و مرد وجود ندارد، سوای 4 درصد پاسخ‌های دیگر که در هیچ‌یک از این دسته‌بندی‌ها نمی‌گنجد، شگفت‌آور است. تقریباً تمام پاسخ‌دهندگانی که گزینه "دلایل دیگر" را انتخاب کرده بودند، نوشتند که این موضوع به حوزه کاری بستگی دارد، که کاملاً درست است. در برخی محیط‌های کار، تفاوت دستمزد به ویژه در حوزه‌هایی که مردسالاری سلطه بیشتری دارد، محسوس‌تر است. باز هم، مردان بیشترین سهم را در پاسخ کمتر مطلوب "خیر، هیچ تفاوت دستمزدی وجود ندارد" با 70 درصد از کل این پاسخ داشتند، که این به‌وضوح نشان‌دهنده سوگیری از پیشی است که به مردان آموخته می‌شود. در غیر این صورت، این تعداد، به دلیل درصد بالای زنان شرکت‌کننده در پژوهش، باید به‌طور چشمگیری به سمت زنان متمایل می‌بود.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



سه جانبه گرایی وزیر کار از حرف تا عمل

صادق



احمد میدری وزیر کار دولت پزشکیان به مانند همه ی وزیرانی که در شروع کار خود وعده بسیار به کارگران می دهند، به کارگران وعده های فراوان داد. یکی از وعده های میدری بازگشت به سه جانبه گرایی در مناسبات سه جانبه، بین نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان برای رسیدن به اجماع بر سر مسائل کارگری بود.

دادن این وعده برای عده ای از آن جهت مثبت تلقی می شد که در زمان صولت مرتضوی وزیر کار مرتجع و کارگر ستیز دولت رئیسی، دو سال پیاپی شورای عالی کار توسط نمایندگان دولت و کارفرمایان دور زده شد و فشار بر علی خدایی یکی از نمایندگان شوراهای اسلامی کار به قدری بخاطر مخالفت وی با افزایش دستمزد کمتر از نصف تورم رسمی شدید شد که وی مجبور به ترک میز مذاکرات دستمزدی در سال گذشته شد و جناب وزیر و نمایندگان سازمانهای کارفرمایی دستمزدی را که مطلوب خودشان بود به کارگران تحمیل کردند.

بهمین جهت هم جانشینی میدری با صولت مرتضوی و هم وعده احیای شورای عالی کار عده ای از خوش خیالان را چنان خوش آمد که برایش در خانه کارگر جشن برپا کردند. اما دیری نباید که میدری همه ی آنها را غافلگیر کرد و معلوم شد که آن حرفها وعده سرخرمن بیش نبوده است.

به تازگی آنطور که بعضی از رسانه ها خبر دادند، شورای عالی کار برای بحث در مورد دستمزد سال آینده تشکیل جلسه داده است اما از دعوت آن دو "نماینده" پیشین که عملاً وزیر کار اسبق آنها را بعد از اعتراض با اجازه خود و البته خلاف قوانین و مقررات از ادامه فعالیت در شورای عالی کار بیرون کرده و شخص سرسپرده تری را بجای آنان منسوب نموده بود خودداری کرده و در واقع اخراج و نحوه اخراج آنان توسط وزیر پیشین را تأیید کرد.

یکی از آنها در جریان بحث وعده کاذب "افزایش حقوق معادن ذغال سنگ توسط میدری سرسپردگی کامل خود به جناب وزیر و صاحبان معادن ذغال سنگ را نشان داد و معلوم شد که وعده افزایش دستمزد تا چقدر کذب بوده است. درست در همان هنگام که جناب وزیر مشغول دادن وعده افزایش دستمزد کارگران معادن و بستن معادن نا ایمن بود چند معدنچی دیگر در درون همان معادن کشته شدند و از افزایش دستمزد نیز جز وعده ترمیم طبقه بندی ناقص چیزی نصیب کسی نشد.

طبیعی است برای انجام چنین موش و گربه بازی هایی آنها به عوامل سرسپرده ای نیاز دارند تا اقدامات شان را بعنوان نماینده کارگر تأیید و ظاهر کار را حفظ نمایند.

سه جانبه گرایی اگر چه در قانون کار به صورت قانون مورد تأیید و تصویب قرار گرفته است، اما هیچ



شباهتی به سه جانبه گرایی واقعی و آنچه در بسیاری از کشورها معمول است نداشته و ندارد. در واقع حتی اگر کارفرما بودن دولت را نادیده بگیریم، آنچه بعنوان سامانه سه جانبه از آن در ایران نام می برند و مقامات دولتی لاف آن را می زنند، چیزی غیر از یک نهاد دوجانبه مرکب از نمایندگان سازمانهای کارفرمایی دولتی و خصوصی که همه تصمیمات را در نهایت خود آنها می گیرند نیست.

آنهایی که از طرف تشکلهای حکومتی برای به عهده گرفتن به اصطلاح نمایندگی کارگران گزینه می شوند، حتی اگر مستقل هم می بودند "که هرگز نبوده اند" در چنین ساختاری کاری به غیر از سر فرود آوردن در مقابل دولت و کارفرمایان و تمکین از تصمیم آنان نداشته و ندارند.

تقصیر علی خدایی از نظر وزیر کار و نمایندگان سرمایه داران در شورای عالی کار که منجر به بیرون راندن او شد، این نبود که تقاضایی فراتر از ماده ۴۱ قانون داشتند، خیر آنها فقط حاضر نشد به افزایش دستمزدی ۲۵ تا ۳۰ درصد کمتر از نرخ تورم رای بدهند. از همین جا می شود به محدودیت های متعددی که در ناسامانه سه جانبه گرایی وجود دارد پی برد.

سه جانبه گرایی شرایط و الزاماتی دارد که هیچ کدام از آنها در ایران رعایت نمی شوند، همانطور که در مورد تشکل، حق اعتصاب، قراردادهای دسته جمعی، قراردادهای کار و غیره رعایت نمی شوند.

در کشورهایی که سه جانبه گرایی پذیرفته شده، اولاً نمایندگان کارگران را اتحادیه های کارگری مستقل معرفی می کنند، دوماً کارگران اگر ببینند مذاکرات پیش نمی رود می توانند و حق دارند اعتصاب کنند، سوماً در پی هر مذاکره ای قرارداد دسته جمعی منعقد می شود که طرفین تا زمان تأیید شده حق تخطی از آن را ندارند. چهارم هیچ مقام دولتی و کارفرمایی حق اخراج نماینده کارگر را حتی از سر کارش ندارد چه برسد که طرف را از میز مذاکره اخراج کنند و بالاخره معیار اولیه برای مذاکره قانون است که در واقع کف خواسته هاست. در ایران از اول به قدرت رسیدن این رژیم حتی یک وزیر و یا دولت را پیدا نمی کنید که هیچ یک از این اصول را رعایت کرده باشد.

دولت پزشکیان و احمد حیدری وزیر کار به اصطلاح "اصلاح طلب اش" هم از این قاعده مستثنی نیست، همانطور که وزرای کار رفسنجانی تعدیلگرا، خاتمی اصلاح طلب، احمدی نژاد مصباح چی، روحانی اعتدالگرا، و رئیسی "عدالتخواه"، را نمی شود از پزشکیان وفاق چی مستثنی کرد.

کما اینکه پزشکیان "اصلاح چی" را نمی شود جدا از رئیسی تعبیر کرد، زیرا نعل به نعل همان سیاستهای ضد کارگری و عدالت ستیزانه دولت رئیسی را دنبال می کند. به تبع آن از وزیر کار وی نمی توان انتظار داشت آنجا که مربوط به حقوق کارگر است متفاوت از سلف خود رفتار کند. سیاست را سیستم تعیین کرده است میدری عامل و کارگزاری بیش نیست. تا وقتی که این حکومت وجود دارد با آمدن و رفتن دولتها نه تنها هیچ بهبودی در زندگی، کار و رفاه کارگر و مزد و حقوق بگیر رخ نخواهد داد، بلکه سال به سال باید گفت دریغ از پارسال

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار جامع
متحدانه مبارزه کنیم!**

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



از ستمکاری تا فریبکاری

ع امید



محمد صادق جنان صفت در یادداشتی که روز سه شنبه این هفته با عنوان "فرمول ستمکارانه مزد و حقوق" در روزنامه جهان صنعت یکی از روزنامه های کارفرمایی منتشر کرد سیاست دستمزدی دولت را ستمگرانه خوانده و در پایان نوشته خواستار تغییر آن تا دیر نشده گردیده. او تعیین ۲۰ درصد افزایش دستمزد و حقوق را برای چهارسال پیاپی کمتر از نرخ تورم را به منزله کاهش قدرت خرید کارگران و کارمندان نهاد.

در اینکه فرمول تعیین دستمزد کارگران و کارمندان دولت ستمکارانه است هیچ کس تردید ندارد و حق با ایشان است، ولی او وقتی از ستمکارانه بودن فرمول دستمزد حرف می زند، ماهرانه با تحریف واقعیات سعی در پنهان کردن نقش کارفرمایان و رسانه های کارفرمایی در جا انداختن این فرمول ستمگرانه دارد و تلاش مینماید همه ی تقصیر ستمگری را یک جانبه به گردن دولتمردان بیندازد و جوری قضیه را جلوه می دهد که انگار کارفرمایان نقشی در این ستمگری ویرانگر نداشته و تنها دولت بوده که طالب آن است. دلیل آن هم از نظر ایشان این است که چون دولت حقوق کارمندان را ۲۰ درصد می خواهد اضافه کند، گویا! شورای عالی کار هم مجبور است همین مقدار حقوق کارگر را افزایش دهد.

خیر، به چند دلیل این ادعا واقعیت ندارد. اول اینکه تنها در دوره رئیسی حقوق کارمندان به صورتی که ایشان می گویند اضافه شده. دولت پزشکیان نیز قصد دارد روال دولت رئیسی در مورد افزایش دستمزدها را به مانند همه ی سیاستهای دیگر رئیسی نعل به نعل اجرا نماید.

دوم اینکه در هر دو دولت روحانی همیشه حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان دولتی بدون در نظر گرفتن مصوبات مزدی شورای عالی کار تعیین می شد. سوم اینکه به استثنای سال اول بعد از انقلاب که بخاطر نشان دادن درباغ سبز دستمزدها تا حدود زیادی منطبق با هزینه ها افزایش داده شد، و چند سال پیاپی بعدی با افزایش ندادن دستمزدها آن را تلافی کردند، در تمام سالها همواره میزان افزایش دستمزد ها کمتر از نرخ واقعی تورم حتی در دوران سرریز کردن دلارهای نفتی در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد بود.

تمام گزارشاتی که در طول ۴۰ سال گذشته از روند تصمیمگیری و مذاکرات دستمزدی در شورای عالی کار منتشر شده نشان می دهند که نمایندگان سازمانهای کارفرمایی و دولت بودند که متحدانه جلوی افزایش



دستمزدها را متناسب با تورم می گرفتند و قدرت خرید کارگران را هر ساله بیشتر تضعیف می کردند. در همه ی این سالها حتی یک مورد نمی توان پیدا کرد که کارفرمایان در شورای عالی کار بر سر میزان افزایش دستمزد با " نمایندگان " کارگری همراهی نشان داده باشند.

آقای جناب صفت برای درک نقش ستمکارانه کارفرمایان در فریز کردن دستمزدها کافی است اندکی به خود زحمت بدهند و بروند، مصاحبه " اصغر آهنین " سخنگوی اصلی گروه نمایندگان کارفرمایی در مورد افزایش ۲۰ درصدی دستمزد کارگران و همدستی ایشان با صولت مرتضوی وزیر کار دولت رئیسی را که به شدت مورد عنایت سرمایه داران بود بخوانند.

آیا این جناب نماینده نمی دانست افزایش ۲۰ درصدی دستمزد در شرایط تورم ۵۰ درصدی ستمگرانه است؟ آن مقدار را که بعد از ترک اعتراضات علی خدایی از جلسه شورای عالی کار نمایندگان کارفرمایی و دولتی به اتفاق هم گرفتند، اینها واقعیاتی هستند که جناب جناب صفت برای کتمان کردن نقش کارفرمایان و گردانندگان همان روزنامه‌ای که در آن این یادداشت را نوشته نتیجه آن تهی شدن سفره‌های، کارگر و کارمند شاغل و بازنشسته و افتادنشان در قعر فقر است.

حالا هم برای اثبات ادعای آقای جناب صفت فرصت هست. چند ماه دیگر دوباره قرار است دستمزد سال آینده در شورای عالی کار تعیین و تصویب بشود، ایشان سعی کنند نمایندگان اتحادیه های کارفرمایی را قانع کنند با ستمگری دولتی که مورد عنایت کارفرمایان هم هست همراه نشوند و با " نمایندگان کارگران " در شورای عالی کار برای افزایش واقعی دستمزد و جبران ستمگری چهل و چند سال گذشته دولت و کارفرمایان همراه شوند. این که کار سختی نیست!

اگر همان چهار سال مورد اشاره ایشان را مد نظر قرار دهیم حداقل در آن چهار سال ۱۰۰ درصد قدرت خرید کارگران و بازنشستگان تنها بواسطه ملحوظ نکردن ۵۰ درصد از تورم آب رفته است، ببینیم باز هم دولت و سرمایه داران حاضر هستند این ۱۰۰ درصد چهار سال گذشته را جبران کنند؟ چهل سال گذشته پیشکش شان. ترسم از این است که مقصود از نوشته آقای جناب صفت فقط برای فرافکنی نباشد، بلکه پیشاپیش بخواهد تقصیر یک ستمکاری تازه در اسفند امسال را نیز یکسره به گردن دولت بیندازد و کارفرمایان را بی تقصیر جلوه دهد. آخر فاصله میان ستمکاری با فریبکاری و فرافکنی چهل و پنج سال است در این کشور از بین رفته است



افزایش مداوم حوادث شغلی به رغم وعده‌های مدیران وزارت کار برای کاهش شمار حوادث

مسمومیت ۱۶ کارگر بر اثر استنشاق گاز در سوله‌ای در تبریز

گاز گرفتگی در یک کارگاه تولیدی لباس واقع در سه راهی اهر به تبریز، موجب مسمومیت ۱۶ کارگر شد



به گزارش خبرنگار ایلنا، اتفاق زمانی رخ داد که ۱۶ کارگر در زمان کار در سوله یک کارگاه تولید کننده لباس در سه راهی اهر به تبریز واقع در استان آذربایجان شرقی؛ به دلیل گازگرفتگی با گاز سمی منوکسیدکربن دچار حادثه شدند



تجمع بازنشستگان مخابرات در بیش از شش استان

بازنشستگان شرکت مخابرات ایران صبح ۱۲ آذر در خوزستان، اصفهان، کردستان، همدان، فارس، تهران و برخی دیگر از استانها تجمع کردند

عدم اجرای بدون تنازل آئین نامه رفاهی ۸۹، فریز مطالبات، افزایش سهم بیمه تکمیلی بازنشستگان از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد، عدم تسویه هزینه های درمان توسط بیمه معلم و دانا، عدم اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱ و تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص بازنشستگان ۹۰٪ بعد از خصوصی سازی، از جمله مطالبات و موضوعات مورد اعتراض این بازنشستگان است



ادامه اعتراضات کادر درمان

تجمع کادر درمان خوزستان مقابل استانداری/ حقوق مان کم است

جمعی از کادر درمان استان خوزستان با تجمع مقابل استانداری، خواستار تحقق مطالبات صنفی خود شدند

شماری از پرستاران اهواز در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع امروز خود (دهم آذر) مقابل استانداری خوزستان خبر دادند



کادر درمان خوزستان، خواستار پرداخت معوقات مزدی و افزایش سطح دریافتی خود شدند و افزودند: دانشگاه جندی شاپور اهواز در پرداخت مطالبات کادر درمان با مشکل اساسی مواجه است.

کادر درمان خوزستان، خواستار پرداخت سریع معوقات مزدی در روزهای پیش رو شدند.



!مرگ سیاه برای ۱۲ میلیون تومان/ وقتی پای «حقوق» در میان است

وقتی ماده ۴۱ قانون کار که شامل همه کارگران کشور می‌شود، اجرا نمی‌شود و مزدی تعیین می‌کنند که یک‌چهارم سبد هزینه‌های زندگی‌ست، چطور به این حرف‌ها و شعارها اعتماد کنیم و بپذیریم که حقوق کارگران معادن به زودی زیاد می‌شود؟

به گزارش خبرنگار ایلنا، «آقای وزیر، شما می‌دانید این کارگران معدنچو چقدر حقوق می‌گرفتند؟ ۱۲ میلیون تومان! فقط ۱۲ میلیون تومان»



فقط کف خیابان بدست میاد حقمون

تصاویر دیگری از بازنشستگان شوش

ما آینده را با دستان خود خواهیم ساخت. آینده ای به دور از ظلم و ستم و استثمار، به دور از فقر، تبعیض و نابرابری، به دور از زندان و شکنجه و اعدام، به دور از کینه و نفرت، به دور از برتری طلبی و خود را ویژه دانستند. آینده را باید ساخت، باید باور داشته باشیم به فصل اتحاد و همبستگی، به تشکل و سازمانیابی برای ساختن جهانی که ما خود بر سرنوشت خود حاکم شویم، از هر زبان و ملتی، از هر رنگ و نژاد و عقیده ای، آنچه که مهم است امنیت، آسایش، رفاه و خوشبختی انسان است.

نابود باد بندگی، زنده باد زندگی

یکشنبه ۱۱ آذر / ۱۴۰۳



بازداشت نمایندگان اتحادیه‌های کارگری در ترکیه را محکوم می‌کنیم

مطلع شده ایم که در تاریخ ۲۶ نوامبر، برابر با ۶ آذر، مقامات ترکیه چندین روزنامه‌نگار، نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و فعالین سیاسی و مدنی را بازداشت کردند که اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های مدنی آن را سرکوبی سیاسی با اتهامات واهی می‌دانند. از جمله کسانی که بازداشت شدند، رمزی چالیشکان، رئیس اتحادیه کارگران خدمات عمومی گنل-ایش و معاون رئیس کنفدراسیون کارگری دیسک و کمال گوک‌سوی، نماینده منطقه‌ای دیسک بودند. رهبران اتحادیه‌های کارگری این بازداشت‌ها را خودسرانه دانسته و اشاره کردند که حتی مشاوران حقوقی از دسترسی به پرونده‌ها محروم شده‌اند. دیسک این بازداشت‌ها را به مشارکت فعال رهبران خود در مبارزات کارگری مرتبط دانسته و اظهار داشت که هدف از این اقدامات، خاموش کردن صدای مخالفان دستمزدهای زیر خط فقر و نابرابری است، به‌ویژه پیش از مذاکرات حداقل دستمزد. این موج بازداشت‌ها همچنین شامل بازداشت بیش از دوازده روزنامه‌نگار و فعالان (IFJ) فرهنگی بود که با انتقاد از نحوه انجام بازداشت‌ها مواجه شد. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران تأکید کرد که این بازداشت‌ها و عدم شفافیت در مورد عملیات، تهدیدات فزاینده‌ای علیه آزادی مطبوعات و توانایی روزنامه‌نگاران برای انجام کار آزادانه ایجاد می‌کند. دیسک، کنفدراسیون سندیکاهای کارگری اروپا و فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران این بازداشت‌ها را حمله به حقوق کارگری و آزادی مطبوعات دانسته‌اند و خواهان آزادی فوری بازداشت‌شدگان شده‌اند. بر اساس بیانیه‌های کنفدراسیون دیسک، آن‌ها برای پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان به اداره پلیس آنکارا مراجعه کرده‌اند و تأکید کرده‌اند که در برابر بی‌قانونی و سرکوب تسلیم نخواهند شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد این بازداشت‌های غیرقانونی را به شدت محکوم کرده و تأکید می‌کند که فعالیت تشکلهای کارگری یک حق مسلم و غیرقابل انکار بوده و جرم محسوب نمی‌شود. این اقدام آشکارا نقض حقوق اولیه کارگران و آزادی فعالیت‌های صنفی است. ما خواستار آزادی فوری این دو نماینده کارگری هستیم و همبستگی خود را با کارگران و اتحادیه‌های کارگری ترکیه اعلام می‌کنیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

آذر ۱۴۰۳ ۱۱



توماج صالحی خواننده محبوب مردمی، فریادگر صدای بی صدایان، پس از لغو حکم اعدام و گذراندن یک سال محکومیت خود در زیر فشار و شکنج، سرافرازانه به همت مردم و نهادهای مدنی و سیاسی دمکراتیک و مترقی از زندان تبهکاران حاکم آزاد شد.

تبریک به توماج و خانواده و همه ی آنانی که برای لغو حکم اعدام و آزادی وی از پاننشستند و تسلیم فشار و تهدید زندانبانان جنایتکار نشدند.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>